**اکنونِ ما چه اکنونی است؟**

**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

1- هنر انسان عاقل آن است که زمانه‌ خود را بشناسد و متوجه باشد حقیقتاً در چه جهانی حاضر است. و در همین رابطه از حضرت صادق«علیه‌السلام» داریم: «و«عَلَى‏ الْعَاقِلِ‏ أَنْ يَكُونَ عارفا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِه حَافِظاً لِلِسَانِه»؛[[1]](#footnote-1) وظیفه‌ی هر انسان عاقلی آن است که نسبت به زمانه‌ی خود آگاهی لازم را داشته باشد و مطابق زمان‌شناسی‌اش با هر رخدادی روبه‌رو شود و زبان خود را در کنترل داشته باشد تا مطابق زمانه‌ی خود سخن بگوید.

2- انسانِ این تاریخ، انسانی است که در جهان‌بودن را، جهانِ خود می‌داند و نه شهر و روستای خود را و آن‌چنان در جهان‌بودنِ خود را دنبال می‌کند که بعد از اختراع ماشین سواری و هواپیما و اینترنت، عملاً آماده است که حضور ملکوتی خود را تجربه کند و بدین لحاظ ما باید خود را و بقیه‌ی انسان‌ها را در این فضا ببینیم و همدیگر را درک کنیم و با همدیگر به گفتگو بنشینیم. و این یعنی در تاریخی حاظر باشیم که انقلاب اسلامی شکل داده است.

3- روحیه‌ تمدنی، روحیه‌ای است که در عین حضور در جهان، نحوه‌ی حضور خود را در عین فرآیندی، طوری تعریف می‌کنیم که اصالت‌های انسانیِ انسان ،که بودنی است در عین اتصالِ به حضرت حق؛ مورد غفلت قرار نگیرد و با هویت آخرالزمانیِ انسانِ الهی خود را جلو ببرد، به همان معنایی که حضرت سجاد«علیه‌السلام» انسانِ آخرالزمانی را معنا کردند و فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ‏ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَي «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ الْآياتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ «إِلَي قَوْلِهِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» فَمَنْ رَامَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَدْ هَلَك». از امام سجاد«علیه‌السلام» از توحيد پرسش شد؛ فرمودند: خداى عزّوجلّ مى‏دانست كه در آخرالزمان مردمانى مى‏آيند بسيار عميق، لذا «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد» و آياتى از سوره حديد را تا «وَ هُوَ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُور» فرو فرستاده و هركه ماورای آن‏ها را خواهد هلاك گردد.(الكافى، ج 1، ص 91)

4- با توجه به این‌که انقلاب اسلامی همچون موجود زنده دارای مراحلی است باید اولاً: متوجه‌ی تراثِ گذشته‌ای باشیم که ما را در مقابل طوفان‌ها محفوظ داشته و ثانیاً: با نظر به تاریخ گذشته‌ی خود، امکانات حضور در آینده را مدّ نظر قرار دهیم و بدین لحاظ است که می توان با پایداری در انقلاب اسلامی همواره منتظر چهره‌ای از انقلاب بود که هنوز به ظهور نیامده است.[[2]](#footnote-2)

5- در رابطه با فرهنگ زمان‌شناسی و حضور در تاریخی که در آن هستیم، آیه‌ی 5 سوره‌ی مائده با ما سخن‌ها دارد. آن جا که می‌فرماید:« الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّباتُ وَ طَعامُ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ». حال و از این به بعد، نه‌تنها طیّبات که در زندگی خود تهیه می‌کنید برایتان حلال است، حتی غذاهایی که اهل کتاب تهیه می‌کنند برای شما نیز حلال است و علاوه بر زنان خودتان، زنان اهل کتاب نیز برای شما حلال خواهد بود. این آیه خبر از آن می‌دهد که وقتی ظرفیت دینی ما گشوده شد و توانستیم تعریف اصیلی از زندگی داشته باشیم حتی زنان اهل کتاب را نیز می‌توانیم در حوزه‌ی فرهنگی خود بپذیریم و نگران استحاله‌ی خود نگردیم، بلکه برعکس، فرهنگِ خود را وسعت دهیم.

6- با نظر به آن‌که انقلاب اسلامی، تقدیری الهی است و شواهد همه حکایت از آن دارند که خداوند اراده کرده است تا تاریخی بیرون از تاریخ استکباری را از طریق انقلاب اسلامی شکل دهد؛ اولاً: باید جایگاه خود را نسبت به این تقدیر الهی روشن کنیم وگرنه گرفتار نوعی سرگردانی و پوچی و نیهیلیسم خواهیم شد. ثانیاً: باید با روحیه‌ی انتظار در امروزِ خود استقرار یابیم، به همان معنایی که پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «انتظار الفرج من الفرج».

7- از آن جایی که برای تحقق هر تاریخی که هویت آن توحیدی است، باید روحیه‌ی جهادی خود را همواره سرزنده نگه داریم، حضرت حق، نه‌تنها به روح و روحیه‌ی مجاهدان قسم می‌خورد، حتی به نَفَس، نَفَس‌زنانِ اسبان آن‌‌ها و به جرقه‌هایی که در اثر برخورد نعل اسبان‌شان به سنگ‌ها پیدا می‌شود، قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَ الْعادِياتِ ضَبْحاً فَالْمُورِياتِ قَدْحاً»(عادیات/1و2). بصیرت رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله» با نظر به جمله‌ی «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام» آن است که متوجه‌اند آن چیزی که سرنوشت یک ملت را به صورتی متعالی به ظهور می‌آورد، روحیه‌ی مجاهده و سلحشوری در مقابل جهان کفر و شرک و استکبار و جهالت است

8- آنچه آموزه‌های دینی و خِرد زمان‌شناسانه به ما تذکر می دهد، آن است که اکنونِ خود را درست بیابیم، به همان معنایی که مسلمانان صدر اسلام در وضعیت محاصره‌ی شدید خود متوجه‌ی فتحی شدند که بیرون از حضور تاریخِ جاهلیت بود و قرآن در توصیف آن بصیرت در آیه‌ی 22 سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «وَ لَمَّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إيماناً وَ تَسْليماً» آن‌گاه که مؤمنین جبهه‌ی مشترک کفرِ آن زمان را دیدند که آن‌ها را محاصره کرده، گفتند این است آن وعده‌ای که خدا و رسولش به ما داد و خدا و رسول وعده‌ی راستی را به ما دادند و در این رویارویی زیاد نشد بر آن‌ها مگر ایمان و تسلیم. زیرا متوجه شدند بنای خداوند آن است که وقتی تمام کفر همه‌ی توان خود را به صحنه آورده است با شکست جبهه‌ی کفر، تاریخِ دیگری شروع شود.

9- آنچه سرنوشت یک ملت را به سوی سعادت تغییر می‌دهد، برگرداندنِ خداوند به مناسبات اجتماع است و این با انقلابی‌بودن و با مجاهده و جهاد در مقابل دشمنان خدا و دشمنان انسانیت محقق می‌شود و نه با دوستی نسبت به آن‌ها و لذا خداوند در خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ...»(ممتحنه/1).

10- رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله» برای حفظ حرکت توحیدی که از طریق انقلاب اسلامی و جان‌فشانی شهدا به ظهور آمد، با جمله‌ی «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام»؛ به سیره‌ی حضرت ابراهیم«علیه‌السلام» و یاران آن حضرت عمل نمودند. آن‌جا که حضرت حق به مسلمانان می‌فرماید: «‏قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ في‏ إِبْراهيمَ وَ الَّذينَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنا بِكُمْ وَ بَدا بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ»(ممتحنه/4) رهبر انقلاب نه‌تنها ابراهیم‌وار برائت خود را از دشمنان خدا و دشمنان انسانیت اعلام می‌کنند، بلکه اظهار می‌دارند که بین ما و شما دشمنی و کینه برای همیشه برقرار است به همان معنایی که دائماً متذکر می‌شوند دشمنی با آمریکا را فراموش نکنید.

11- ملتی که بخواهد آزادانه خودش سرنوشت خود را به‌دست گیرد، باید با روحیه‌ی حماسی در صحنه باشد، تا مردم خودشان برای خود تصمیم بگیرند و نه دشمنان آن‌ها در امورات آن‌ها دخالت کنند.

نقش تربیتی رهبر انقلاب در آن‌جا است که ملتی سلحشور و حاکم بر سرنوشت خود تربیت کنند و این کاری است ماورای آنچه در مدارس و دانشگاه‌های ما شکل می‌گیرد. در مراکر آموزشی عموماً افراد جهت کارهایی که جامعه‌ی جدید نیاز دارد، تربیت می‌شوند که متأسفانه مراکز آموزشیِ استعمارزده از همین کار هم باز مانده‌اند. ولی رهبر انقلاب، یک ملت را در ابعادی بس متعالی مورد خطاب قرار می‌دهند تا آن‌جا که یک ملت است که جلو می‌رود و در انواع توطئه‌ها می‌تواند پایدار بماند و نقشه‌های دشمن را خنثی کند به طوری که إن‌شاءالله نه‌تنها دشمنان از ادامه‌ی توطئه مأیوس می‌شوند، بلکه با ظهور ناتوانی استکبار، افول ابر قدرتی آن به ظهور آید.

حال، باز باید پرسید به راستی اکنونِ ما چه اکنونی است؟ اکنونِ توسعه‌نیافتگی در دوگانگی بین توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی؟ و یا اکنونی است بیرون از این دوگانگی؟ مثل آنچه در دفاع مقدس ما تجربه کردیم و با روحیه‌ی جهادی می‌توانیم آن را ادامه دهیم.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 140. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وقتی جناب آقای سردار یکتا گزارش تشکیل جبهه‌ی فرهنگی کانون‌ها را به رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله» دادند، ایشان فرمودند مدت‌ها منتظر آن بوده‌ام. و این نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی در حال تولد چهره‌ها و مراحلی از خود است که هنوز به ظهور نیامده است. [↑](#footnote-ref-2)